

خیانت سیاستمداران پوپولیست

محسن جلال پور

اقتصاد ما «اقتصاد توزیعی» است. از منظر اقتصاد سیاسی میان دو پارادایم «بازتوزیع» و «توزیع» تفاوت وجود دارد. دولت‌های رفاه برای این که مردم را از رفاه بیشتر برخوردار کنند، باید مالیات بیشتر بگیرند. در این پارادایم «بازی مجموع صفر» شکل می‌گیرد به این شکل که اگر فردی چیزی به دست آورد، دیگری چیزی از دست می‌دهد. یعنی در این گونه اقتصادها، از بخشی از نسل فعلی مالیات گرفته می‌شود و به بخشی دیگر داده می‌شود.

امادراقتصادسیاسی مبتنی بر توزیع منابع در ایران اگر چه بازی مجموع صفر در جریان است اما حق نسل آینده گرفته می‌شود تا نسل فعلی به رفاه برسد. به قول دکتر مسعود نیلی این شاید تکان دهنده ترین رفتاری است که واقعیت همگرایی نسل ما و سیاستمداران پوپولیست این زمانه را عیان می‌کند.

نسل امروز هم بدجوری فریفته سیاستمداران زمانه خود شده است و با کمک آنها دارد حق نسل آینده را می‌خورد.

ما داریم حق فرزندان خود را می‌خوریم تا رفاه بیشتری داشته باشیم. در حالی که پدران ما کار کردند و ثروت آفریدند و برای ما رفاه ایجاد کردند اما ما داریم برعکس عمل می‌کنیم و سیاستمداران عوام فریب کمک می‌کنند تا مابیشتر و بیشتر حق فرزندان خود را بخوریم.

سیاستمداران برای خرید محبوبیت دو کار کنیف می‌کنند. اول این که با وعده‌های توخالی فرودستان را گول می‌زنند و دوم این که هزینه کسب محبوبیت خود را از جیب مردم امروز و از سهم نسل آینده بر می‌دارند.

مدتهاست که دادن وعده‌های دروغین، ترجیع‌بند بیشتر انتخابات در ایران بوده است. حتی فردی که از یک شهر کوچک و دور افتاده پیروز انتخابات مجلس می‌شود، با دادن وعده‌های توخالی هزینه رقابتش را از جیب مردم ایران بر می‌دارد. هر بار که انتخابات ریاست جمهوری بر گزار می‌شود، نامزد هاسطح توقعات مردم را چند پله بالا تر می‌برند. جای دوری نرویم. رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری در سال ۹۶، میدان رقابت انتخاباتی نبود، رنگ مزایده افکار عمومی برای کسب رأی بود. در این انتخابات همه شعارها حول حراج منابع کشور می‌چرخید. انصاف‌بازی منصفانه‌ای نیست که ثروت چند نسل را خرج حکمرانی و خرید رضایت یک نسل کنیم. معنی پوپولیسم مگر جز این است؟ کونه‌بینی در دور نمای سیاستگذاری.

مردم ماقبل از سیاست‌های توزیعی، سخت کوش بودند. به سختی تلاش می‌کردند و از منابع و درآمدی که خلق می‌شد، مالیات می‌دادند و در اداره کشور سهیم بودند. پایه تخریب منابع از زمانی گذاشته شد که دولت‌ها با استفاده از ثروت نفت و برداشت بی‌رویه از منابع زیرزمینی، همه امور را در دست گرفتند و همه چیز را به خود و به نفت وابسته کردند. متأسفانه سیاستمداران نیز منابع را به ابزارهایی برای خرید محبوبیت و کسب رأی بدل کردند.

این اتفاق سبب شد ما در چند دهه گذشته روز به روز از واقعیت‌های اقتصادی فاصله بگیریم و بخش خصوصی را که پایه افزایش تولید و خلق ثروت بود به حاشیه برانیم و به جای افزایش منابع اقتصاد به سمت توزیع منابع اندک موجود برویم. این فرهنگ در طول این سال‌ها به روح اقتصاد و جامعه مادمیده شد.

نتیجه آن است که مردم امروز از دولت متوقع و طلبکارند. آنها از دولت انتظار توزیع کیک را دارند. این در حالی است که دیگر دولت هم توان بزرگ کردن کیک را ندارد و بخش خصوصی هم ضعیف مانده و این بخش هم نمی‌تواند کیک را بزرگ کند. در همین حال، سیاستمداران از توزیع کیک سخن می‌گویند و وعده تقسیم می‌دهند. در حالی که دیگر کیک برای تقسیم وجود ندارد. چیزی که در حال حاضر توزیع می‌شود، سهم این نسل نیست و از سهم نسل‌های آینده است. در حقیقت ما داریم دست در جیب فرزندان خود می‌کنیم.



مرثیه‌ای که بار دیگر در حال تکرار است

رشد اقتصادی ایران در مسیر منفی شدن



امین قلعه‌ای

نفت رانیز ۴.۳ درصد اعلام کرده بود، در عین حال بانک مرکزی نیز نرخ رشد اقتصادی بانفت در سال گذشته را ۳.۷ درصد و بدون نفت رانیز ۴.۶ درصد برآورد کرده بود. همچنین در گزارش اخیر مرکز آمار ایران نرخ رشد اقتصادی بهار سال جاری بانفت ۱.۷ درصد و بدون نفت نیز ۱.۹ درصد اعلام شد. پیش‌بینی کاهش نرخ رشد اقتصادی برای ایران تا سال ۲۰۱۹ میلادی می‌تواند در بازار کار نیز تأثیرات مستقیمی را داشته باشد. در حالی که اقتصاد ایران درگیر بیکاری بیش از ۳ میلیون بیکار مطلق است، برقرار شدن دوباره نرخ رشد منفی اقتصادی به معنای ریزش دوباره نیروی کار شاغل در بخش‌های مختلف اقتصادی، نامناسب شدن وضعیت بنگاه‌ها و بخش تولید و در نتیجه تشدید بیکاری خواهد بود.

رشد اقتصادی چیست؟

رشد اقتصادی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی است. رشد اقتصادی رشد تولید (اندازه اقتصاد) در هر دوره (به عنوان مثال یک سال) را نشان می‌دهد. رشد اقتصادی هر کشور از محاسبه نرخ تغییرات تولید ناخالص ملی محاسبه می‌شود. ممکن است در یک بخش اقتصاد رونقی ایجاد شود و این رونق مورد توجه رسانه‌ها قرار گیرد اما در نقاط دیگر اقتصاد رکودی عمیق به وجود آمده باشد. به طور مثال می‌توان به افزایش تولید نفت، مشتقات نفتی و میعانات گازی در بازه سال‌های

پس برجام تا دوره بازگشت تحریم‌های آمریکا اشاره کرد. بسیاری از کارشناسان اقتصادی معتقدند که رشد اقتصاد ایران از سال ۹۴ به بعد مربوط به افزایش صادرات نفت ایران از یک میلیون بشکه در سال ۹۳ به دو میلیون و نیم میلیون بشکه در این سال‌ها مربوط بوده است. از همین رو محاسبه ساده در سایر بخش‌ها اقتصاد ایران به خوبی نشان می‌دهد که رشد اقتصادی کشور کمتر متأثر از بهبود شاخص‌های تولید در سایر بخش‌ها بوده است. در ایران پس از انقلاب با شروع دوران بازسازی پس از جنگ، نرخ رشد بالاتر از ۱۰ درصد را تجربه کرد که به دلیل استفاده از ظرفیت‌های خالی و بازدهی بالای سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته محقق شد اما این رشد بالا مستمر مقطعی بود. متأسفانه با وقوع بحران ارزی در سال ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ اقتصاد ایران مجدداً به رکود و دوره رشد پایین منتقل شد و این امر تا سال ۱۳۸۰ ادامه یافت. از سال ۸۰ هم زمان با افزایش قیمت نفت و انجام اصلاحات ساختاری در برنامه سوم مجدداً اقتصاد به دوره رونق گذار می‌کند. تداوم رشد بالای قیمت نفت و افزایش آن، رشد بالا را تا چند سال پشتیبانی می‌کند اما به رغم درآمد بالای نفت بازهم نرخ رشد اقتصادی از سال ۱۳۸۶ دچار کاهش می‌شود و این کاهش تداوم می‌یابد و نهایتاً به دوره‌ای که ایران با مسئله تشدید تحریم‌ها مواجه شد، منتهی می‌شود.

در حالی که اقتصاد ایران درگیر بیکاری بیش از ۳ میلیون بیکار مطلق است، برقرار شدن دوباره نرخ رشد منفی اقتصادی به معنای ریزش دوباره نیروی کار شاغل در بخش‌های مختلف اقتصادی، نامناسب شدن وضعیت بنگاه‌ها و بخش تولید و در نتیجه تشدید بیکاری خواهد بود

رشد اقتصادی چگونه باز می‌گردد؟

اقتصادها برای پیشرفت و دست‌یابی به شاخص‌های توسعه نیازمند رشد اقتصادی پایدار و متوازن هستند. رشد اقتصادی پایدار به معنای ثابت ماندن و یا تغییر حداقلی نرخ رشد در هر سال است. توازن رشد اقتصادی نیز در معنای رشد هم‌زمان بخش‌های مختلف اقتصاد از تولید تا تجارت است. در حقیقت رشد اقتصادی زمانی متوازن خواهد بود که اقتصاد از کسری تراز تجاری در رنج نباشد. امادست‌یابی به رشد اقتصادی پایدار و متوازن نیازمند چه بستریایی است؟ موفقیت در دست‌یابی به رشد اقتصادی نیازمند طراحی مدل‌هایی است که با واقعیت‌های جامعه منطبق باشند. واقعیت‌هایی نظیر

شرایط سیاست خارجی، سهولت کسب و کار، ثبات نرخ ارز، انضباط مالی و اداری. در توصیف شرایط اقتصادی ایران می‌توان گفت که در همه موارد گفته شده شاخص‌ها دستکم در زمان حاضر مطلوب نیست. به عنوان مثال نگاهی به قانون بودجه سال ۱۳۹۷ به خوبی نشان می‌دهد که اقتصاد ایران از بی‌انضباطی مالی در رنج است. مثلاً در حالی که به دلیل کاهش درآمدهای نفتی در سال‌های اخیر بسیاری از ظرفیت‌های اقتصادی ایران خالی مانده است، دولت و مجلس با ثابت نگاه داشتن قیمت حامل‌های انرژی عملاً دست خود را برای تخصیص بهینه منابع به منظور انجام پروژه‌های عمرانی بسته‌اند. محسن دلاویز مدیرعامل شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت در این باره می‌گوید: «هم‌اکنون روزانه ۳۵ میلیون دلار یارانه پنهان به بنزین اختصاص می‌یابد و در مجموع در ۶ ماه نخست امسال، بیش از ۵.۵ میلیارد دلار یارانه به بنزین تعلق گرفته است که چنین رقمی، آن هم در شرایط اقتصادی فعلی کشور به هیچ وجه توجیه‌پذیر نیست. اگر روند مصرف سوخت به همین شکل ادامه یابد، طی چند سال آینده، بخش عمده بودجه کشور باید به پرداخت یارانه سوخت اختصاص یابد»

تبعات رشد اقتصادی منفی چیست؟

واقعیت این است که گزارش اخیر صندوق بین‌المللی پول به دلیل اینکه برگرفته از آمارهای رسمی کشور است، دور از انتظار نیست و از این‌سوی می‌توان برآورد نرخ رشد منفی دو سال آینده صندوق بین‌المللی پول را قابل اعتنا دانست. حسین قضاوی، قائم‌مقام اسبق بانک مرکزی با اشاره به اینکه اطلاعات صندوق بین‌المللی پول پس از دریافت از مراجع رسمی کشور در مدل‌های اقتصادسنجی قرار گرفته و منطبق می‌شود، افزود: به دلیل تضعیف چشم‌انداز وضعیت تولید نفت ایران، صادرات نفت کاهش می‌یابد و این شرایط بر وضعیت واقعی اقتصاد ایران تأثیرگذار خواهد بود. بنابراین برآیند نااطمینانی‌های ناشی از نوسانات قیمتی و کاهش فعالیت‌های اقتصادی در کنار اثرات مستقیم تحریم، منجر به نرخ رشد منفی اقتصادی می‌شود. قائم‌مقام اسبق بانک مرکزی اظهار داشت: در

جدیدترین گزارش صندوق بین‌المللی پول از وضعیت رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۸ و سال آینده میلادی نشان می‌دهد که با وجود پیش‌بینی نرخ رشد مثبت ۳.۷ درصد در سال ۲۰۱۷ میلادی، نرخ رشد اقتصادی ایران در سال جاری میلادی منفی ۱.۵ درصد و در سال ۲۰۱۹ نیز منفی ۳.۶ درصد برآورد شده است

کنار آن، فشارهای تورمی ناشی از افزایش بی‌رویه نقدینگی متراکم شده نیز در این بخش تأثیرگذار است، از این رو سیاست‌های پولی دولت و بانک مرکزی باید انقباضی باشد و برای اینکه سیاست‌های پولی در کنترل انتظارات تورمی و نرخ ارز تأثیرگذار باشد، باید سیاست انضباط پولی در دستور کار دولت قرار گیرد.

قضاوی تأکید کرد: در چنین شرایطی که ترسیم شد نمی‌توان زمینه تقویت رشد اقتصادی را انتظار داشت؛ بنابراین در کوتاه مدت چشم‌انداز رشد اقتصادی کاهشی است ولی امید می‌رود با برطرف شدن تنگناهای سیاسی و اقتصادی و تلاش‌های دولت و بانک مرکزی در تقویت اطمینان بخشی به اقتصاد و اصلاح انتظارات قیمتی، شرایطی در بخش کسب و کار ایجاد شود که در کوتاه مدت احساس بازدهی مناسب سرمایه‌گذاری به وجود آید. وی ادامه داد: در مقطع فعلی دولت و سیاست‌گذار پولی و مالی باید مهار نرخ تورم را در دستور کار خود داشته باشد چون تمامی مشکلات اقتصاد به نرخ تورم بازمی‌گردد. بنابراین اصلی‌ترین برنامه دولت از طریق سیاست‌های پولی و مالی باید مهار تورم فعلی باشد.

قضاوی گفت: از طریق مهار انتظارات تورمی جامعه می‌تواند به رشد مثبت اقتصادی رانیز فراهم کرد. گام مهم بعدی کنترل تورم فعلی است و البته هر چقدر شرایط محیط بین‌المللی بهتر شود، محیط داخلی و کسب و کار زودتر می‌تواند خود را انتظارات تورمی هماهنگ کند.



آمارهای مختلفی در مورد قاچاق بنزین ارائه شده است اما نمی‌توان عدد دقیقی برای آن مشخص کرد. به گفته رئیس انجمن سازندگان تجهیزات صنعتی روزانه حدود ۱۰ میلیون لیتر بنزین به افغانستان قاچاق می‌شود که قیمت هر لیتر بنزین در ایران ۱۰۰۰ تومان و در افغانستان ۶۰۰۰ تومان است. اما این پول به جای ایران به چین یا ترکیه می‌رود و با آن لباس استوک وارد می‌شود و دوباره پول آن تبدیل به دلار شده و از کشور خارج می‌شود؛ یعنی قاچاق در قاچاق که این حجم نمی‌تواند توسط کولبران انجام شود.

دیگر این سکه قاچاق این فرآورده است که در ماه‌های اخیر و با بالا رفتن نرخ دلار در ایران تنور آن داغ‌تر از گذشته شده است. بارها اعلام شده که ایران دارای ارزان‌ترین نرخ بنزین در منطقه است. در ترکیه با جمعیت تقریباً مشابه ایران، روزانه ۸ میلیون لیتر بنزین مصرف می‌شود و مادر حال رسیدن به مرز ۱۰۰ میلیون لیتر مصرف روزانه هستیم. یکی از دلایل این تفاوت فاحش علاوه بر درست نبودن فرهنگ مصرف در کشور، اختلاف قیمت بنزین در ایران با کشورهای همسایه است. برای مثال نرخ بنزین در ایران ۰.۲۹ سنت و در ترکیه ۱.۱۶ سنت است.

است که پیش‌بینی می‌شود در ماه‌های آینده این رقم به ۷۰۰ هزار ریال افزایش یابد.

اگر جمعیت ایران را ۸۰ میلیون در نظر بگیریم و به هر فرد ماهانه ۴۶۰ هزار ریال یارانه بنزین پرداخت شود، یعنی دولت ماهانه سه هزار و ۶۸۰ میلیارد تومان یارانه پرداخت می‌کند.

براساس گزارش مرکز آمار ایران، برای سال ۱۳۹۵ بیش از ۵۰ درصد مبلغ یارانه پنهان به سه دهک در پرداخت اختصاص یافته و باقی مانده آن بین ۵۰ دهک دیگر توزیع شده است. از ۳۰ میلیون دلار یارانه‌ای که دولت در سال ۱۳۹۵ برای بنزین پرداخت کرده است، بیش از ۱۵ میلیون دلار از این یارانه بین سه دهک درآمدی بالا تقسیم شده و باقی مانده آن بین هفت دهک دیگر توزیع شده است.

مصرف بی‌رویه بنزین در کشور که حتی از پیش‌بینی‌ها هم فراتر رفته است، تنها یک روی هدر رفت بودجه دولت در این زمینه است. روی

خبر

آمارهای سرسام‌آور در مورد بنزین

وقتی بودجه ایران در کشورهای دیگر مصرف می‌شود!

همچنان یارانه سرسام‌آور بنزین بر دوش دولت سنگینی می‌کند. به گفته مسئولان، هم‌اکنون روزانه ۳۵ میلیون دلار یارانه پنهان به بنزین اختصاص می‌یابد و در مجموع در شش ماه نخست امسال، بیش از ۵.۵ میلیارد دلار یارانه به بنزین تعلق گرفته است. نکته نرفته در این موضوع این است که نیسی از آن به دهک‌های ثروتمند جامعه اختصاص می‌یابد و همین‌طور قاچاق بنزین با قیمت یارانه‌ای، هر دوازدهم دوازدهم بی‌عدالتی است.

پیش‌بینی می‌شود با ادامه روند کنونی مصرف بنزین در کشور با قیمت فعلی یارانه پنهانی که دولت باید بابت بنزین پرداخت کند از ۳۵ میلیون دلار به ۴۵ میلیون دلار در روز افزایش خواهد یافت. با احتساب نرخ تسعیر ارز به میزان ۴۲۰۰۰ ریال، یارانه پنهان بنزین حدود ماهانه برای هر نفر ۴۶۰ هزار ریال بوده

سرسام‌آور، بهترین لقبی است که می‌توان به آمارهای حوزه بنزین نسبت داد؛ فرآورده نفتی که میزان مصرف آن نه تنها در کشور مرز خطر را رد کرده، بلکه پای آن مرز کشور هم گذشته و به صورت قاچاق وارد کشورهای همسایه شده است. با یک حساب سرانگشتی و طبق گفته‌های مسئولان می‌توان فهمید که دولت هر ماه حدود سه هزار و ۶۸۰ میلیارد تومان برای بنزین یارانه می‌دهد.

ماجرای نرخ بنزین در ایران سر دراز دارد. حقیقت این است که نرخ بنزین در ایران واقعی نیست و با وجود اینکه در سال ۱۳۸۹ دولت نهم رسماً آغاز اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و ارائه حامل‌های انرژی با قیمت اصلاح شده‌از ۲۸ آذر را اعلام کرد، در این قانون پیش‌بینی شده بود قیمت سوخت به صورت سالانه و طی پنج سال باید ۲۰ درصد افزایش پیدا کند تا به ۹۰ درصد قیمت بین‌المللی یا قوب خلیج فارس برسد، این اتفاق تاکنون رخ نداده و